



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## بررسی موانع و راهکارهای پیاده سازی روش یادگیرنده محور در دوره ابتدایی

بهناز طاهری<sup>۱</sup>، بهاره طاهری<sup>۲</sup>، سجاد حسنی<sup>۳</sup>، سجاد اسمعیلی لیوسی<sup>۴</sup>

۱- کارشناسی مهندسی نرم افزار کامپیوتر دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

۲- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

۳- کارشناسی روانشناسی عمومی دانشگاه پیام نور مرکز دزفول

۴- کارشناسی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه پیام نور مرکز دزفول

### چکیده

در دهه‌های اخیر، توجه به نقش یادگیرندگان در فرآیند یادگیری به عنوان محور اصلی تحولات آموزشی افزایش یافته است. رویکرد یادگیرنده محور نه تنها به بهبود تجربه تحصیلی یادگیرندگان کمک می‌کند بلکه نقطه تمرکز را از آموزگار به خود یادگیرندگان منتقل می‌کند. در این مفهوم، بررسی موانع و راهکارهای پیاده‌سازی این رویکرد در دوره ابتدایی، یکی از چالش‌های مهم و حیاتی در حوزه آموزش محسوب می‌شود. رغبت در اجرای یک رویکرد یادگیرنده محور در دوره ابتدایی مواجهه با موانع و چالش‌های متعددی است که می‌تواند اجرای موفقیت‌آمیز را تحت‌تاثیر قرار دهد. عواملی چون محدودیت‌های ساختاری، عدم اشتیاق آموزگاران به تغییر، و چالش‌های مربوط به انتقال نقل قول از آموزگار به یادگیرندگان از جمله این موانع به‌شمار می‌روند. توجه به نقش یادگیرندگان در فرآیند یادگیری نه تنها باعث ارتقاء فهم و تسلط آن‌ها می‌شود بلکه می‌تواند محیطی فعال و پویا در کلاس‌های ابتدایی ایجاد کند. این امر، بهبود امکانات تدریس و توسعه توانمندی‌های یادگیرندگان را تضمین می‌کند. این مقاله به بررسی موانع و چالش‌های اجرای روش یادگیرنده محور در دوره ابتدایی می‌پردازد و راهکارهایی برای پیشگیری یا حل این موانع ارائه می‌دهد. با توجه به اهمیت یادگیری یادگیرنده محور در فرآیند آموزش، این مقاله سعی در ارائه راهکارهای کارآمد و قابل اجرا جهت بهبود عملکرد این رویکرد در دوره ابتدایی دارد.

**واژگان کلیدی:** یادگیری یادگیرنده محور، یادگیرنده محور، آموزگار، استراتژی، آموزش و پرورش



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## مقدمه

رویکرد یادگیرنده محور، رویکردی نوین در آموزش است که بر نقش فعال دانش آموز در فرآیند یادگیری تأکید دارد. در این رویکرد، دانش آموزان به جای آنکه صرفاً دریافت کننده اطلاعات باشند، در جستجوی دانش، اکتشاف و تجربه فعالانه مشارکت می کنند. این رویکرد مزایای متعددی از جمله افزایش انگیزه و خلاقیت دانش آموزان، ارتقای تفکر انتقادی و حل مسئله، و همچنین افزایش یادگیری عمیق و پایدار را به دنبال دارد. بسیاری از آموزگاران با رویکرد یادگیرنده محور آشنا نیستند و یا دانش و مهارت کافی برای به کارگیری روش های آن را در کلاس درس ندارند. با وجود چالش های موجود، پیاده سازی رویکرد یادگیرنده محور در دوره ابتدایی از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است. این رویکرد می تواند به ارتقای کیفیت آموزش و پرورش در این مقطع تحصیلی و همچنین به تربیت نسلی خلاق، نوآور و توانمند برای آینده کشور کمک کند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰).

در سال های اخیر تأکید فزاینده ای بر دور شدن از آموزش سنتی به سمت یادگیری یادگیرنده محور شده است. این تغییر پارادایم، انتقال قدرت از آموزگار به یادگیرنده را تشویق می کند و با یادگیرنده به عنوان یک سازنده در فرآیند آموزش و یادگیری رفتار می کند. آموزگاران که آموزش های یادگیرنده محور را ارائه می دهند، یادگیرنده را در تصمیم گیری در مورد اینکه چگونه و چه چیزی یاد می گیرند و چگونه آن یادگیری ارزشیابی می شود، شامل می شوند و به تفاوت های فردی در زمینه، علایق، توانایی ها و تجربیات یادگیرندگان احترام می گذارند و آنها را در نظر می گیرند. نقش آموزگار در کلاس های یادگیرنده محور تشویق یادگیرنده به یادگیری اکتشافی بیشتر و یادگیری از یکدیگر است. آموزگار بر ساختن وظایف واقعی تمرکز می کند که انگیزه مشارکت یادگیرنده را ایجاد می کند (Stuart, 2015).

تمرکز بر کیفیت، دسترسی و ارتباط آموزش برای دستیابی به تحول اجتماعی مورد نیاز برای توسعه اقتصادی پایدار کشور، اولویت ملی بوده است. نظام آموزشی آینده باید از دیدگاه یادگیرنده محور برای به حداکثر رساندن استانداردهای بالای یادگیری، انگیزه و موفقیت برای همه یادگیرنده، اعم از یادگیرندگان و آموزگاران شان استفاده کند. دیدگاه یادگیرنده محور با تمرکز بر شناخت و درک هر یادگیرنده در زمینه درک عمیق خود فرآیند یادگیری آغاز می شود. این تمرکز بر شناخت و احترام به یادگیرندگان فردی با بهترین پژوهشها موجود و تجربه شاغل در مورد یادگیری است (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰).

قرن ۲۱ شاهد انبوهی از روش های آموزش یادگیرنده محور بوده است. استفاده از روش های یادگیرنده محور در تدریس به دلیل مزایای بی شمار آن که شامل افزایش حفظ محتوا توسط یادگیرنده، ترویج تفکر انتقادی، لذت بردن از یادگیری برای یادگیرنده و ارتقای خلاقیت بود (McCombs & Whistler, 2002).

یادگیری یادگیرنده محور به سادگی به عنوان روشی برای یادگیری تعریف شده است که در آن یادگیرندگان تنها انتخاب می کنند که چه چیزی را مطالعه کنند، بلکه همچنین چگونگی و چرایی آن موضوع ممکن است مورد علاقه باشد. به عبارت دیگر، بر خلاف تأکید بر کنترل آموزگار و پوشش محتوای آکادمیک که در بسیاری از آموزش های تعلیمی مرسوم یافت می شود، محیط یادگیری مسئولیت و فعالیت یادگیرنده را در دل خود دارد. علاوه بر این، یادگیرندگان فرآیند یادگیری را زمانی معنادارتر



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

می یابند که موضوعات مربوط به زندگی، نیازها و علایق آنها باشد و زمانی که فعالانه درگیر ایجاد، درک و اتصال به دانش هستند (Cannon, 2000).

در این مقاله، به بررسی موانع و راهکارهای پیاده‌سازی روش یادگیرنده‌محور در دوره ابتدایی پرداخته می‌شود. در این راستا، ابتدا به بیان اهمیت و ضرورت پیاده‌سازی رویکرد یادگیرنده‌محور در دوره ابتدایی پرداخته می‌شود. سپس، چالش‌های موجود در این زمینه بررسی می‌شود. در نهایت، راهکارهای مختلفی برای پیاده‌سازی روش یادگیرنده‌محور در دوره ابتدایی ارائه می‌شود.

## یادگیری یادگیرنده محور

آموزش یادگیرنده محور روشی در آموزش است که بر یادگیرنده تاکید دارد. از این رو یادگیرنده به یک شرکت کننده فعال در فرآیند یادگیری تبدیل می‌شود. این برخلاف روش سنتی آموزگار محور است که در آن یادگیرنده در فرآیند یادگیری یک گیرنده فعال نیست و به عنوان ظرف خالی برای پر شدن از دانش در نظر گرفته می‌شود. در آموزش یادگیرنده محور، نقش آموزگار بر ساخت وظایف واقعی که انگیزه مشارکت یادگیرنده را برمی‌انگیزد، متمرکز است. بنابراین، آموزش یادگیرنده محور به آموزگاران این امکان را می‌دهد که به جای به خاطر سپردن مهارت‌ها، یادگیرنده را بر اساس معیارهایی که در عملکرد واقعی برای آینده آنها مهم است، ارزشیابی کنند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰).

در سال‌های اخیر تاکید فزاینده‌ای بر دور شدن از آموزش سنتی به سمت یادگیری یادگیرنده محور شده است. این تغییر پارادایم، حرکت قدرت را از آموزگار به یادگیرنده تشویق کرده است، و با یادگیرنده به عنوان یک سازنده در فرآیند آموزش و یادگیری رفتار می‌کند. آموزگاران که آموزش‌های یادگیرنده محور را ارائه می‌دهند، یادگیرنده را در تصمیم‌گیری در مورد چگونگی و آنچه که یاد می‌گیرند و نحوه ارزشیابی آن یادگیری را شامل می‌شوند، و به تفاوت‌های فردی در زمینه علایق، توانایی‌ها و تجربیات یادگیرندگان احترام می‌گذارند و آنها را در نظر می‌گیرند (McCombs & Whistler, 2002). نقش آموزگار در کلاس‌های یادگیرنده محور تشویق یادگیرندگان به یادگیری اکتشافی بیشتر و یادگیری از یکدیگر است. آموزگار بر ساختن تکالیف واقعی تمرکز می‌کند که مشارکت و همکاری یادگیرنده را در بر می‌گیرد (Weimer, 2002).

دانش‌آموزان زمانی موفق می‌شوند که چیزی که می‌آموزند برایشان با اهمیت باشد. در یادگیری یادگیرنده محور، علاقه یادگیرندگان باعث آموزش می‌شود. یادگیری یادگیرنده محور به یادگیرندگان این فرصت را می‌دهد که در مورد دو چیز تصمیم بگیرند: چه مطالبی را یاد می‌گیرند و چگونه آن را یاد می‌گیرند. (این مفهوم گاهی اوقات به عنوان یادگیری شخصی نیز شناخته می‌شود). برخلاف روش‌های آموزگار محور، در یادگیری یادگیرنده محور، یادگیرندگان به عنوان رهبر و تصمیم‌گیرنده در یادگیری خود درگیر می‌شوند (Cannon, 2000).

به عنوان مثال، در دبیرستان پوردو، ایالت متحده، یادگیرندگان در کلاس پایه‌های خود در یادگیری یادگیرنده محور شرکت می‌کنند، زیرا چالش‌های دنیای واقعی را که توسط شرکای اجتماعی ایجاد می‌شود حل می‌کنند. یادگیرندگان پژوهش‌های خود را برنامه‌ریزی می‌کنند، راه‌حلی توصیه می‌کنند، ایده‌های خود را به آموزگاران و اعضای جامعه منتقل می‌کنند و موفقیت خود را در حین حرکت ارزشیابی می‌کنند. آموزگاران به هدایت این فرآیند کمک می‌کنند، اما محتوا، زمان و انگیزه به خود یادگیرندگان بستگی دارد (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

هر یادگیرنده‌ای از آموزش سود می‌برد، صرف نظر از اینکه چقدر نیازهای یادگیری آنها متنوع است، انگیزه یادگیرنده و یادگیری واقعی زمانی افزایش می‌یابد که یادگیرندگان در یادگیری خود سهمی داشته باشند و به عنوان همکار در فرآیند یادگیری با آنها رفتار شود. علاوه بر این، موفقیت‌ها در فناوری ارتباطات دانشی با معرفی روش‌های تدریس یادگیرنده محور مانند برنامه‌های کاربردی یادگیری چندرسانه‌ای، بر توسعه آموزش تأثیر گذاشته است (Aaronsohn, 2002).

روش یادگیرنده محور به تدریس نیز توسط یادگیرنده ترجیح داده می‌شود. به عنوان مثال، نگوین، ویلیامز و نگوین (۲۰۱۲) دریافتند که استفاده از آزمایش‌ها در تدریس ۲۴ درصد است در حالی که ترجیحات آنها توسط یادگیرنده ۷۲,۳ درصد است. بنابراین مدارس باید تلاش می‌کنند از روش‌های یادگیرنده محور مکرراً استفاده کنند (Stuart, 2015).

علیرغم این تحولات در آموزش، روش تدریس غالب در مدارس هنوز با انتقال دانش مشخص می‌شود و متمرکز بر آموزگار است. ماجانگا، ناسانگا و سیلویا جاکوب (۲۰۱۵) دریافتند که متداول‌ترین روش‌های تدریس در آموزش علوم در کلاس‌ها، روش‌های سخنرانی و نمایش هستند. به گفته شوایسفورث (۲۰۱۱)، آموزش آموزگاران در کشورهای در حال توسعه به ندرت یادگیرنده محور است و مدل‌های مناسبی را ارائه نمی‌دهد که آموزگاران بتوانند بر اساس آن تدریس کنند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین گاهی اوقات بیش از حد نظریه محور است. محتوای برنامه‌های تربیت آموزگار به اندازه کافی بر تمرین تأملی، یادگیری فعال، نوآوری، خلاقیت، یا ایجاد مشارکت متمرکز نیست. ما نباید از فارغ التحصیلان چنین آموزشی، انتظار داشته باشیم که آنچه را که در وهله اول به آنها تلقین نشده بود به یادگیرندگان یاد دهند (Weimer, 2002).

بنابراین، باید تلاش کنیم تا مطمئن شویم که آموزگاران به خوبی مجهز و آموزش دیده اند تا روش‌های یادگیرنده محور را اجرا کنند، زیرا این روش‌ها با اهمیت‌ترین عوامل مرتبط با مدرسه موثر بر پیشرفت یادگیرندگان هستند (McCombs & Whistler, 2002).

## خصوصیات یادگیری یادگیرنده محور

آموزش یادگیرنده محور برای تقویت یادگیری مؤثر است. این نوع آموزش مزایای مختلفی دارد که عبارتند از: یادگیرنده را توانا می‌سازد تا دانش جدید را با دانش موجود به روش‌های معنی‌دار پیوند دهند، یادگیرندگان را قادر می‌سازد تا دانش منسجم معناداری ایجاد کنند و تفکر خلاق و انتقادی را در یادگیرندگان تسهیل می‌کند (Goldsmith et al, 2004). با وجود این، بسیاری از روش‌های تدریس در هنوز بر آموزگار متمرکز هستند. آکرز و هاردمن (۲۰۰۱) و پیترسون (۲۰۰۹) خاطرنشان کردند که بیشتر آموزگاران هنوز "روش‌های مرسوم" را برای تکمیل برنامه‌های درسی در یک دوره زمانی معین ترجیح می‌دهند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰).

آیا بهترین کلاسی که تا به حال داشته‌اید را به یاد دارید؟ کلاسی که در آن بیشتر اعتماد به نفس داشتید؟ که در آن بهترین آموختید؟ به احتمال زیاد، این کلاسی بود که در آن دانش جدیدی را کشف کردید و انگیزه یادگیری را هم توسط آموزگار و هم به دلیل تمایل ذاتی به دانستن بیشتر داشتید. کلاس درس یادگیرنده محور با افزایش انگیزه و تلاش یادگیری را تسهیل می‌کند (Cannon, 2000).

مدل یادگیرنده محور مستلزم آن است که آموزگاران هر یادگیرنده را متمایز و منحصر به فرد ببینند. این بدان معناست که یادگیرندگان در هر کلاس درس با سرعت‌های متفاوتی با روش‌های مختلف یاد می‌گیرند، توانایی‌ها و استعداد‌های متفاوتی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دارند، احساس کارآمدی آنها ممکن است متفاوت باشد و ممکن است در مراحل مختلف رشد باشند (Goldsmith et al, 2004). در این مدل، یادگیری فرآیندی سازنده است که برای یادگیرنده مرتبط و معنادار است و به دانش و تجربه قبلی یادگیرنده مرتبط است. محیط یادگیری از تعاملات مثبت بین یادگیرندگان پشتیبانی می کند و فضای حمایتی را فراهم می کند که در آن فرد ناب احساس قدردانی، تایید، احترام و اعتبار می کند. یادگیرنده به جای تلاش برای "تعیین" یادگیرنده، قدرت تسلط بر دنیای خود را از طریق فرآیند طبیعی یادگیری دارد. (McCombs & Whistler, 2002).

در زیر نمونه هایی از نقش ها و مسئولیت های تغییر یافته در کلاس درس یادگیرنده محور آورده شده است.  
یادگیرندگان

۱- در یادگیری خود مشارکت فعال دارند.

۲- در مورد اینکه چه چیزی و چگونه یاد خواهند گرفت تصمیم بگیرید.

۳- با تکیه بر دانش و مهارت های فعلی، دانش و مهارت های جدید ایجاد کنید.

۴- انتظارات را درک کرده و تشویق می شوند تا از معیارهای خود ارزشیابی استفاده کنند.

۵- یادگیری خود را برای توسعه راهبردهای یادگیری زیر نظر داشته باشند.

۶- با سایر یادگیرندگان همکاری کنید.

۷- کار تولید کنید که یادگیری معتبر را نشان دهد (Weimer, 2002).

آموزگاران

۱- روش های مختلف یادگیری را بشناسید و با آنها کنار بیایید.

۲- ساختار را بدون دستور دادن بیش از حد ارائه دهید.

۳- به دیدگاه هر یادگیرنده گوش دهید و به آن احترام بگذارید.

۴- تصمیم گیری مشترک یادگیرندگان را تشویق و تسهیل کنید.

۵- به یادگیرندگان کمک کنید تا با پرسیدن سؤالات باز برای دستیابی به نتیجه گیری یا راه حل هایی که برایشان رضایت بخش است، مشکلات را حل کنند (Stuart, 2015).

یادگیری

۱- جستجوی فعال معنا توسط یادگیرنده.

۲- ساختن دانش به جای دریافت منفعلانه آن - شکل دادن و همچنین شکل گیری توسط تجربیات.

از راهبردها و روش های آموزشی استفاده می شود

۱- مدیریت زمان به روش های انعطاف پذیر برای مطابقت با نیازهای یادگیرنده.

۲- شامل فعالیت های یادگیری که شخصاً به یادگیرندگان مربوط می شود.

۳- به یادگیرندگان مسئولیت فزاینده ای در قبال فرآیند یادگیری بدهید (Cannon, 2000).

۴- سؤالات و تکالیفی را ارائه دهید که فراتر از به خاطر سپردن رونوشت، تفکر یادگیرندگان را تحریک کند.

۵- به یادگیرندگان کمک کنید تا درک خود را با استفاده از مهارت های تفکر انتقادی اصلاح کنند.

۶- از یادگیرندگان توسعه و استفاده از راهبردهای یادگیری مؤثر برای هر کار حمایت کنید.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۷- آموزش از طریق همتا و همتا را به عنوان بخشی از روش آموزشی در نظر بگیرید. (McCombs & Whistler, 2002).

## روش استفاده یادگیرندگان از یادگیری یادگیرنده محوری

هر یادگیرنده‌ای از آموزش مؤثر سود می برد، صرف نظر از اینکه چقدر نیازهای یادگیری آنها متنوع است انگیزه یادگیرنده و یادگیری واقعی زمانی افزایش می‌یابد که یادگیرندگان سهمی در یادگیری خود داشته باشند و به عنوان همکار در فرآیند یادگیری با آنها رفتار شود. (McCombs & Whistler, 2002). علاوه بر این، یادگیرندگانی که در قبول مسئولیت‌های جدید با موفقیت مواجه می‌شوند، اعتماد به نفس پیدا می‌کنند و نسبت به خود احساس خوبی دارند. یادگیرندگان زمانی موفقیت بالاتر را نشان می‌دهند که بتوانند موفقیت را به جای شانس، به توانایی‌ها و تلاش خود نسبت دهند. (Moffett & Wagner, 2009).

با این حال، روند حرکت به سمت یادگیری یادگیرنده محور برای یادگیرندگان بزرگسال همیشه آسان نیست. بسیاری در ابتدا در برابر آنچه که به عنوان کناره گیری آموزگاران از مسئولیت خود برای مدیریت آموزش تلقی می‌کنند، مقاومت می‌کنند. دانستن اینکه ممکن است این اتفاق بیفتد می‌تواند به ایجاد بحث درباره تغییرات آشکارا کمک کند و نقش‌های جدیدی را برای یادگیرندگان و آموزگاران مذاکره کند. (Weimer, 2002).

## کلاس‌های یادگیرنده محور

یادگیری یادگیرنده محور پیامدهای ظریف اما عمیقی برای آموزگاران دارد. برای حرکت به سمت این مدل جدید، آموزگاران باید تمایل داشته باشند که بر یادگیری تأکید کنند و در عین حال قدرت را با یادگیرندگاندر کلاس به اشتراک بگذارند (Barr & Tagg, 2011).

این را می‌توان با برنامه ریزی و استفاده از مراحل افزایشی به روشی متفکرانه انجام داد. اول، آموزگاران به یادگیرندگان کمک کنند تا برای خود اهداف تعیین کنند و فعالیت‌های خودرا هبیری را ارائه دهند که از طریق آن یادگیرندگان بتوانند هم اعتماد به نفس و هم مهارت‌های یادگیری خود را ایجاد کنند. در نتیجه، یادگیرندگان انگیزه می‌گیرند تا کنترل بیشتری بر یادگیری خود داشته باشند و آموزگاران در مدیریت محیط جدید اعتماد به نفس داشته باشند. (Moffett & Wagner, 2009).

در مرحله بعد، آموزگاران می‌توانند یادگیرندگان را تشویق کنند تا بفهمند چگونه بهترین یاد می‌گیرند و می‌توانند استراتژی‌های مختلف مناسب برای هر یادگیرنده‌ها را به کار گیرند. به اشتراک گذاشتن تصمیم‌گیری یادگیرندگان با به آنها کمک می‌کند تا به خودشان را بیشتر کنند. (Goldsmith et al, 2004).

زمانی که یادگیرنده به خودی خود هدایت می‌شود، یعنی اهداف و استاندارد‌های خود را تعیین می‌کند، آموزگار به تسهیلگری تبدیل می‌شود که معیارها، جدول‌های زمانی، فهرست منابع، همکاری‌ها و غیره را مرور می‌کند. در آموزش خود انتخاب دارند، آنها مسئول یادگیری خود هستند، پیشرفت‌های خود را اندازه‌گیری می‌کند و در کلاس درس قدرت دارند. (Barr & Tagg, 2011).

نقش آموزگار از "حکیم روی صحنه" به "راهنما در کنار" تبدیل می‌شود. آموزگاران کمتر هدایت می‌کنند و بیشتر تسهیل می‌کنند و یادگیرندگان مسئولیت سازمان‌دهی محتوا، تولید مثال‌ها، طرح و پاسخ به سؤالات و حل مسائل را بر عهده می‌گیرند. آموزگار کارهای طراحی بیشتری انجام می‌دهد، کارهای واقعی را می‌سازد که مشارکت یادگیرنده را تشویق می‌کند.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

آموزگاران نحوه برخورد با تکالیف یادگیری را مدل می کنند یا نشان می دهند و یادگیرندگانرا تشویق می کنند تا از یکدیگر یاد بگیرند. آموزگار مسئولیت حفظ جو یادگیری را بر عهده دارد. (McCombs & Whistler, 2002). آموزگاران که الگوی یادگیرنده محوری را اجرا می کنند از آموزش کل کلاس به تحقیق گروهی کوچک و فردی می روند. این گروه بندی ها ناهمگن هستند و نیاز به آموزش متمایز دارند (Moffett & Wagner, 2009). آموزگار به جای مشغول نگه داشتن یادگیرندگانبا کار فردی، بر موضوعات مورد علاقه گروه های کوچک تمرکز می کند و در آن زمینه ها تحقیق ایجاد می کند (Barr & Tagg, 2006). یادگیرندگانهمچنین از خواندن و استفاده از مطالب معتبر به جای کتاب های درسی و کتاب خوان های پایه سود می برند (Stuart, 2015). زمانی که به طور کامل محتوا و حفظ می شد، اکنون با زمان صرف شده برای یادگیری نحوه یادگیری و نحوه درک محتوا متعادل می شود. ارزشیابی در کلاس درس یادگیرنده محور به کارنامه هایی متکی است که شامل هر دو ارزشیابی توسط آموزگار و خود ارزشیابی می شود. (McCombs & Whistler, 2002).

## نقش آموزگار در یادگیری یادگیرنده محور

آموزگاران از یادگیری یادگیرنده محور در کلاس های درس خود استفاده کنند تا انگیزه یادگیرندگانرا افزایش دهند، به یادگیرندگانکمک کنند تا بر یادگیری خود مالکیت داشته باشند و روابط قوی ایجاد کنند. سه راه برای تفکر در مورد نقش آموزگاران در یادگیری یادگیرنده محور عبارتند از: منابع، آموزگاران و راهنماها (Stuart, 2015).

### منابع

در یادگیری یادگیرنده محور، آموزگاران به عنوان کارشناسان و منابع کلیدی دانش عمل می کنند و یادگیرندگانمسئولیت دسترسی به آن دانش را به اشتراک می گذارند. در این جلسات، یادگیرندگان مسئول بودند تا در برقراری ارتباط با آنچه که می دانند و آنچه که نمی دانند، رهبری کنند و ضمن استفاده از دانش و تخصص آموزگاران، مهارت های حیاتی دفاع از خود را بیاموزند. (Barr & Tagg, 2011).

آموزگاران همچنین منابعی برای ارتباط یادگیرندگانبا مشارکت های خارج از کلاس درس هستند. این نوع ارتباط با ایجاد ارتباط بین یادگیرندگان با علایق خارج از مدرسه، درگیر کردن آنها در محیط های کاری و تقویت ارتباطات شغلی، راه قدرتمندی برای پیاده سازی یادگیری یادگیرنده محور است. (McCombs & Whistler, 2002).

### مربیان

روابط برای یادگیری بسیار مهم هستند، و این به ویژه در یادگیری یادگیرنده محور صادق است. روابط قوی با بزرگسالان مورد اعتماد به یادگیرندگاناعتماد به نفس و انگیزه لازم برای رهبری یادگیری خود را می دهد (Weimer, 2002).

### راهنماها

آموزگاران ساختار و راهنمایی هایی را ارائه می دهند که یادگیرندگانرا قادر می سازد بر چالش ها غلبه کنند و ببینند که چگونه کار کلاسی آنها با علایق و اهداف بزرگتر مرتبط است. به عنوان مثال، در مدرسه ای در سنفورد، فلوریدا، آموزگاران نقشه های محتوای بصری ایجاد می کنند که یادگیرندگان و والدین می توانند برای دیدن تصویر بزرگ از سفر یادگیری یادگیرنده در هر واحد خاص به آن دسترسی داشته باشند. درک اینکه چگونه کار روزانه آنها به اهداف آینده ترجمه می شود، انگیزه درونی یادگیرندگانرا فعال می کند و به آنها اجازه می دهد رهبری را به دست بگیرند (Barr & Tagg, 2011).





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## مزیت‌های روش یادگیرنده محور

مدارس بیشتری به دلیل مزایایی که برای یادگیرندگان دارد، به سمت روش یادگیری یادگیرنده محور حرکت می‌کنند. یادگیری یادگیرنده محور بر درک شهودی یادگیرندگان از آنچه از آموزش خود نیاز دارند، ایجاد می‌کند و محیط‌های یادگیری معناداری را ایجاد می‌کند که پژوهشها نشان می‌دهد که یادگیرندگان درگیر و با انگیزه هستند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰).

۱- شخصی سازی نگرش یادگیرندگان نسبت به یادگیری بهبود می‌بخشد.

۲- خدمات و یادگیری مبتنی بر پروژه باعث افزایش مشارکت یادگیرندگان می‌شود

۳- آموزش خودتنظیمی به یادگیرندگان باعث بهبود عملکرد تحصیلی می‌شود (Woodhall, 2012).

۴- روابط قوی‌تر بین یادگیرندگان و آموزگاران از طریق حرکات تجربی مشترک در مهارت‌های ارتباطی و همکاری یادگیرندگان

۵- موفقیت در توانایی یادگیرندگان برای تفکر و کار مستقل

۶- افزایش علاقه یادگیرندگان به فعالیت‌های مدرسه و آموزش به طور کلی

۷- روابط قوی‌تر بین یادگیرندگان و آموزگاران از طریق تجربیات مشترک (Moffett & Wagner, 2009).

همچنین از مزایای دیگر این روش تدریس عبارتند از:

مطالعات متعددی وجود دارد که به دنبال یادگیرندگانی که با روش یادگیرنده محور آموزش داده شده‌اند، نشان می‌دهد که نه تنها انگیزه یادگیرنده افزایش می‌یابد، بلکه یادگیری و عملکرد واقعی نیز افزایش می‌یابد (Weimer, 2002).

یادگیرندگانی که در یک کلاس درس یادگیرنده محور تدریس می‌شوند، مطالب بیشتری را برای مدت زمان طولانی‌تری حفظ می‌کنند (Goldsmith et al, 2004). برای یادگیری، مغز نمی‌تواند به سادگی دانش را دریافت کند. همچنین باید دانش را پردازش کند تا بتوان آنها را ذخیره و فراخوانی کرد. ماهیت فعال روش یادگیرنده محور به یادگیرندگان کمک می‌کند تا در واقع با دانش کار کنند و بنابراین آن را یاد بگیرند و چگونه آنها را ذخیره کنند (Moffett & Wagner, 2009).

حتی فراتر از آنچه باید بدانند، یادگیرندگان از یک اثر جانبی کمتر آکادمیک آموزش یادگیرنده محور بهره می‌برند. آنها یاد می‌گیرند که چگونه نسبت به خود احساس خوبی داشته باشند. همانطور که آنها مسئولیت‌های جدیدی را بر عهده می‌گیرند و با این مسئولیت‌ها موفق می‌شوند (Woodhall, 2012). حتی بیشتر، پژوهشها نشان می‌دهد که یادگیرندگان زمانی که به خود اعتماد دارند و موفقیت را به توانایی‌های خود نسبت می‌دهند و نه به شانس یا به دیگران کمک می‌دهند، پیشرفت‌های بالاتری دارند. در روش یادگیرنده محور، این خود یادگیرندگان هستند که مسئول موفقیت یک درس هستند و به همین دلیل تمایل دارند نسبت به موفقیت یادگیری خود احساس مسئولیتشان افزایش می‌یابد. (Barr & Tagg, 2011).

## انواع روشهای یادگیرنده محور

روش یادگیرنده محور با مدل آموزشی سنتی آموزگار محور بسیار متفاوت است. در روش یادگیرنده محور به یادگیری، کلاس‌های درس از آموزش مستقیم به محیط جامعه محورتر حرکت می‌کنند، محیطی که از توانمندسازی یادگیرنده، گفتگو،





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مهارت‌های تفکر انتقادی، استقلال و تکنیک‌های حل مسئله پشتیبانی می‌کند. در کلاس‌های یادگیرنده محور، تغییر از آموزگار آغاز می‌شود. راهبردهای یادگیری یادگیرنده محور، یادگیرندگانرا در فرآیند برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی کلی مستلزم و درگیر می‌کند (Aaronsohn, 2002). همانطور که آموزگاران به اصلاح شیوه‌های آموزشی خود ادامه می‌دهند، در اینجا چندین استراتژی برای اجرای کلاس درس یادگیرنده محور وجود دارد:

## تابلوهای انتخاب

تابلوهای انتخاب به یادگیرندگان اجازه می‌دهند تا فعالیت‌هایی را که برای تمرین یک مهارت یا نشان دادن درک کامل انجام می‌دهند، انتخاب کنند. در این روش به یادگیری، به یادگیرندگان فرصت‌های مالکیت و توانمندسازی داده می‌شود در حالی که آموزگاران آموزش خود را متمایز می‌کنند. تابلوهای انتخاب را می‌توان نه تنها برای اهداف ارزیابی، بلکه برای معرفی مطالب جدید، برای تمرین تکمیلی یا به عنوان ترکیبی از بخش‌های متعدد یک درس یا واحد مورد استفاده قرار داد. (McCombs & Whistler, 2002).

## ایستگاه‌ها

اگرچه روش ایستگاه‌ها یک مفهوم قدیمی است، اما تکامل یافته و به یک روش مرکز تبدیل شده است. در ابتدایی‌ترین شکل خود، این استراتژی شامل استفاده یادگیرندگان از یادگیری مشارکتی می‌شود که به دنبال کنار هم قرار دادن «پازل» هستند (Barr & Tagg, 2006). هر یادگیرنده مسئولیت یک جزء فردی از دانش را بر عهده می‌گیرد، سپس دانش آموخته شده و به دست آمده را می‌گیرد و آن را در بخش بزرگتر کار (پازل) به کار می‌برد. این استراتژی در سطوح ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان با آموزگاران که ایستگاه‌ها و مراکز را در کلاس خود ایجاد می‌کنند تا به تسهیل بخش دانش فردی یا گروه‌های کوچک استراتژی کمک کند، که منجر به نوعی ارائه، بحث و گفتگو می‌شود (Moffett & Wagner, 2009).

## یادگیری مبتنی بر تحقیق

در این استراتژی یادگیری، سوالات، ایده‌ها و تحلیل‌های یادگیرنده با تمرکز بر دیدگاه یادگیرنده در مورد یک سوال یا مشکل باز خاص برجسته و تقویت می‌شوند. این استراتژی به ویژه برای مشارکت اولیه یادگیرنده مفید است و یادگیرندگان را به سمت فراتر رفتن از دانش پایه به درک عمیق‌تر تفکر انتقادی، استدلال مبتنی بر شواهد و حل خلاقانه مسئله سوق می‌دهد. در یادگیری مبتنی بر پرس و جو، اجزای مختلف یک درس می‌تواند شامل مطالعات موردی، پروژه‌های گروهی و پروژه‌های تحقیقاتی باشد. ارتباطات عمیق‌تر با مطالب فرصت‌هایی را برای یادگیرندگان فراهم می‌کند تا مهارت‌هایی را که در دنیایی که اکنون در آن زندگی می‌کنیم بسیار ارزشمند هستند، تقویت کنند (Barr & Tagg, 2011).

## یادگیری پروژه محور و یادگیری مبتنی بر مشکل

آموزگاران اصطلاحات آموزشی مخصوص به خود را دارند و اغلب اوقات یادگیری مبتنی بر مشکل را می‌شنوید که در بحث‌های آموزگاران استفاده می‌شود. دو استراتژی یادگیری که بیشتر اجرا می‌شوند، یادگیری مبتنی بر پروژه و یادگیری مبتنی بر مشکل هستند. در یادگیری مبتنی بر پروژه، یادگیرندگان روی کارهای طولانی‌تری کار می‌کنند که به ایجاد یک ارائه یا محصول اصلی ختم می‌شود. این استراتژی یادگیری به شدت به همکاری، ارتباط و خلاقیت یادگیرنده بستگی دارد و آموزگار به عنوان تسهیل‌کننده کار و موفقیت یادگیرنده عمل می‌کند (کمالی و علیزاده، ۲۰۱۸).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یادگیری مبتنی بر مسئله شامل پروژه های کوتاه تری است که یک مشکل فعلی را بررسی می کند و از طریق تعریف، تحقیق و علل مشکل، یادگیرندگان به طور مشترک راه حل های مشکل انتخابی را ارزشیابی می کنند، مشکل را حل می کنند یا راه حل ها و یا یافته های بالقوه را گزارش می دهند. هر دوی این راهبردهای یادگیری از ارتباطات واقعی و مرتبط با دنیای خارج استفاده می کنند و تجربیات ارزشمندی را در زمینه حل مسئله و فرصت های تفکر انتقادی برای یادگیرندگان فراهم می کنند که پس از فارغ التحصیلی برای آنها مناسب خواهد بود (کمالی و علیزاده، ۲۰۱۸).

## کلاس های درس معکوس

آموزگاران به طور مداوم به دنبال راه هایی برای به حداکثر رساندن زمان آموزشی در کلاس درس هستند. یک استراتژی یادگیری که این را در نظر می گیرد، استفاده از کلاس درس معکوس است. در این فرمت یادگیری، محتوای جدید یا مقدماتی به یادگیرندگان خارج از کلاس ارائه می شود، با آموزگاران بسیاری از استراتژی هایی مانند تابلو های انتخاب برای انتخاب یادگیرنده در یادگیری خود که قبلاً مورد بحث قرار گرفته اند. مطالب آموزشی می تواند شامل خواندن، فیلم، ارائه های از پیش ضبط شده یا آموزش مستقیم یا تکالیف پژوهشی باشد (Moffett & Wagner, 2009).

در این مدل، آموزگار از زمان کلاس درس برای تسهیل یادگیری استفاده می کند و به یادگیرندگان کمک می کند تا با استفاده از دانش آموخته شده خارج از کلاس تمرین کنند (Goldsmith et al, 2004). به جای «بلیط خروج» معمولی، که در آن یادگیرندگان بلیتی را تحویل می دهند که نشان دهنده تسلط یا سوالات بیشتر در مورد درک است، یادگیرندگان از «بلیط ورودی» استفاده می کنند که در آن با یک تکلیف تکمیل شده، پاسخ کتبی، آزمون یا پست وبلاگ وارد کلاس می شوند. به عنوان "بلیت" آنها خدمت می کند. در نهایت، مدل کلاس درس معکوس می تواند چندین استراتژی یادگیری یادگیرنده محور را در خود بگنجانند و امروزه در مدارس بسیار محبوب است (Barr & Tagg, 2011).

## استراتژی های یادگیری یادگیرنده محور

استراتژی های یادگیری یادگیرنده محور در دوره ابتدایی نقش مهمی در ترغیب به یادگیری فعال یادگیرندگان دارند. در ادامه، راهکارهایی برای اجرای این استراتژی ها در دوره ابتدایی آورده شده است:

۱. تنوع در روش های آموزشی:

- استفاده از روش های مختلف آموزشی مانند بازی های آموزشی، داستان گوئی، فیلم های آموزشی و فعالیت های گروهی.
- تنظیم جلسات آموزشی به گونه ای که هر یادگیرنده با ترجیحات خود مواجه شود.

۲. استفاده از تجربه واقعی:

- برگزاری سفرهای آموزشی به موزه ها، پارک های علمی، و محیط های طبیعی برای ایجاد تجربه های واقعی و کاربردی برای یادگیرندگان.

- ارتباط محتوای درس با واقعیت های روزمره یادگیرندگان.

۳. استفاده از فناوری:

- معرفی نرم افزارها و اپلیکیشن های آموزشی جذاب برای تقویت مهارت های یادگیرندگان.
- ایجاد پروژه های مبتنی بر تکنولوژی که به یادگیرندگان این امکان را می دهد تا خود را در موضوعات مختلف بیازمایند.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۴. تشویق به پرسش و تحقیق:
  - ترغیب یادگیرندگان به ارائه سوالات و پرسش‌های خود در مورد مطالب درسی.
  - تشویق به انجام تحقیقات کوچک و ارائه نتایج به همکلاسی‌ها.
۵. توجه به استعدادها و علایق شخصی:
  - شناخت و توجه به استعدادها و علایق هر یادگیرنده.
  - ایجاد فرصت‌هایی برای ارتقاء و توسعه استعدادهای فردی.
۶. استفاده از بازخورد مثبت:
  - ارائه بازخورد مثبت و تشویق به تلاش و پیشرفت هر یادگیرنده.
  - برگزاری جلسات بازخورد فعال با هدف ارتقاء یادگیری یادگیرندگان (پورامامی و همکاران، ۱۳۹۶).
۷. همکاری و گروهی:
  - ترویج فعالیت‌های گروهی و همکاری در کلاس.
  - ایجاد پروژه‌ها و فعالیت‌هایی که نیاز به همکاری یادگیرندگان داشته باشد.
۸. ترکیب درس‌ها با هنر و خلاقیت:
  - ادغام هنرها و فعالیت‌های خلاقانه در درس‌ها برای جلب توجه و افزایش خلاقیت یادگیرندگان.
  - استفاده از نمایش‌های تئاتر یا نقاشی برای به تصویر کشیدن مفاهیم درسی.
۹. ترکیب ارزیابی‌های متنوع:
  - استفاده از ارزیابی‌های متنوع شامل آزمون‌ها، پروژه‌ها، ارائه‌ها و نقدهای همتا.
  - اعلام اهداف امتیازدهی و ارائه بازخورد سازنده.
۱۰. ترتیب دادن به یادگیری مبتنی بر سوال:
  - ایجاد سوالات استنباطی و تفکر انتقادی برای ارتقاء توانمندی‌های تفکری یادگیرندگان.
  - اشتیاق یادگیرندگان را به چالش کشیدن مفاهیم و حل مسائل افزایش دهید.
۱۱. توجه به تفاوت‌های فردی:
  - تطبیق درس‌ها به نیازها و سطوح یادگیری مختلف یادگیرندگان.
  - ایجاد فرصت‌ها برای پشتیبانی اضافی برای یادگیرندگانی که به تقویت نیاز دارند.
۱۲. ارتقاء مهارت‌های مدیریت زمان:
  - آموزش مهارت‌های مدیریت زمان به یادگیرندگان به منظور بهبود برنامه‌ریزی و اجرای بهتر وظایف درسی.
۱۳. تشویق به مطالعه خودآموز:
  - ترغیب یادگیرندگان به مطالعه خودآموز و ارتباط آن با محتوای درسی.
  - ارائه لیست کتب و منابع پیشنهادی جذاب برای یادگیرندگان.
۱۴. ترویج انعطاف‌پذیری در یادگیری:
  - تشویق یادگیرندگان به پذیرش چالش‌ها و اشتباهات به عنوان فرصت‌های یادگیری.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- ایجاد فرهنگی که از انعطاف‌پذیری و تلاش برای بهبود حمایت کند (Stuart, 2015).  
استفاده هوشمندانه از این راهکارها در کنار یکدیگر می‌تواند باعث ایجاد یک محیط یادگیری فعال و ترغیب‌آمیز در دوره ابتدایی شود.

## بحث و نتیجه گیری

مدلهای آموزشی همانطور که می‌دانیم در حال تغییر است. اکنون بیش از هر زمان دیگری، استراتژی‌های یادگیرنده محور به یادگیری بسیار مهم است. همانطور که مدیران مدارس به دنبال ایجاد ظرفیت در آموزگاران خود هستند، ما نیز باید به دنبال ایجاد ظرفیت، رهبری، مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسائل پیچیده در یادگیرندگان خود باشیم. استراتژی‌های یادگیری یادگیرنده محور فرصت‌های توانمند سازی را فراهم می‌کنند که اجازه می‌دهد به فراتر از ارزیابی‌های اجباری یا برنامه‌های درسی استاندارد مبتنی بر استاندارد بپردازید. استفاده از استراتژی‌های مورد بحث می‌تواند شما را در مسیری قرار دهد که یادگیرندگانی آماده ایجاد تغییر در یک جامعه جهانی و همیشه در حال تغییر باشند.

همانطور که برای ایجاد دروسی کار می‌کند که نیازهای شخصی یادگیرندگان را برآورده کند، بسیار مهم است که به خاطر داشته باشید که چگونه تجربه و ظرفیت هر یادگیرنده در مدرسه تحت تأثیر شرایط فردی آنها قرار می‌گیرد. درک و همدلی با هر یادگیرنده‌ی برای ایجاد یک برنامه یادگیری که برای آنها کار می‌کند بسیار مهم است. آموزگاران می‌توانند هر شخصیت را بررسی کنند تا ببینند که چگونه تجربه مدرسه آن یادگیرنده تحت تأثیر سایر شرایط زندگی قرار می‌گیرد و در انجام این کار، در نظر بگیرند که چه امکاناتی برای درس‌ها می‌تواند به موفقیت آن یادگیرندگان کمک کند (Stuart, 2015).

یادگیری یادگیرنده محور بدون انتقاد نیست، اما به طور کلی، تجربه مثبتی دیده شده است، به عنوان مثال، بر ارزش یادگیری یادگیرنده تأکید می‌کند: «قرار دادن یادگیرنده در قلب فرآیند یادگیری و رفع نیازهای آنها، به گامی پیشرونده برداشته می‌شود که در آن روش‌های یادگیرنده محور به این معنی است که افراد می‌توانند آنچه را که برای آنها مرتبط است به روش‌های مناسب بیاموزند. ضایعات در منابع انسانی و آموزشی کاهش می‌یابد زیرا یادگیرندگان دیگر مجبور نیستند آنچه را که قبلاً می‌دانند یا می‌توانند انجام دهند یا آنچه را که به آن بی‌علاقه هستند یاد بگیرند (Barr & Tagg, 2011).

تکنولوژی نقش جالب و اساسی در روش متمرکز یک مدرسه به آموزش و مدیریت مبتنی بر نتایج یادگیری یادگیرنده ایفا کند. این روش آموزگاران را مجبور می‌کند تا با تأمل بیشتری در مورد طراحی، ارائه و ارزشیابی دوره فکر کنند. این روش می‌تواند راه‌های خلاقانه جدیدی را برای تعامل با یادگیرندگان و ترکیب مواد بسیار مدرن تحریک کند و در عین حال آموزگاران را نسبت به طیف وسیعی از چالش‌ها و امکانات ذاتی در کاربرد فناوری‌های آموزشی حساس کند.

منابع



- ۱-پورامامی، علی و خاوری، اسد و میرزاوند، علی و عابدی، مهدی، ۱۳۹۶، برخی از روش های تدریس دانش آموز محور، کنفرانس ملی پژوهش های نوین ایران و جهان در روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، شیراز،
- ۲-رضایی، باقرزاده، فضل الله، شیخ، محمود، حمایت طلب، داوود. (۲۰۲۰). تاثیر دوروش تدریس کودک محور و معلم محور بر رشد حرکتی درشت دانش آموزان پایه سوم ابتدایی. رفتار حرکتی، ۱۲(۴۲)، ۱۷-۳۶.
- 3-Aaronsohn., E. (2002). Going against the grain: Supporting the student-centered teacher. Thousand Oaks, CA: Corwin Press.
- 4-Barr, R., & Tagg, J. (2006). From teaching to learning—A new paradigm for undergraduate education. Change, 13-25.
- 5-Barr, R., & Tagg, J. (2011). From teaching to learning—A new paradigm for undergraduate education. Change, 13-25.
- 6-Cannon, R. (2000). Guide to support the implementation of the Learning and Teaching Plan Year 2000. Australia: The University of Adelaide
- 7-Goldsmith, M., Morgan, H. & Ogg, A.J. (2004). Leading organizational leading: Harnessing the power of knowledge. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- 8-McCombs, B. & Whistler, J. (2002). The learnercentered classroom and school: Strategies for increasing student motivation and achievement. San Francisco: Jossey-Bass Publishers.
- 9-Moffett, J., & Wagner, B. J. (2009). Student-centered language arts, K-12. Portsmouth, NH: Boynton/Cook Publishers Heinemann.
- 10-Stuart, A. (2015). Student-centered learning. Learning, 26, 53- 56.
- 11-Weimer, M. (2002). Learner-centered teaching: Five key changes to practice. San Francisco: Jossey-Bass Publishers.
- 12-Woodhall, M. (2012). Cost-benefit analysis in educational planning (3rd Ed.). UNESCO: International Institute for Educational Planning.